

اخبار صحنه

سرسنگی عضو کمیته اجرایی ITI جهانی



تهران در سی‌ویکمین اجلاس جهانی تئاتر که توسط موسسه بین‌المللی تئاتر در شهر مانیل فیلیپین برگزار شد، از سوی کشورهای عضو این تشکل جهانی به همراه ۱۹ تن دیگر به عنوان عضو اصلی کمیته اجرایی ITI برگزیده شد . براساس این گزارش سایر اعضای این کمیته که هر دو سال یک‌بار با رأی گیری در مجمع عمومی موسسه بین‌المللی تئاتر انتخاب می‌شوند، عبارتند از: والری خاسانوف (روسیه)، مانفرد بیلهازر (آلمان)، ژان پی‌یر گوانینگانگ (بوریکنافاسو)، زلکا تورچینویک (کرواسی)، ژان چالیک (آمریکا)، ریچا سینکارانتلا (فلاند)، کریستین بابو پاگورلی (یونان)، فؤاد الشطی (کویت)، فرناندو گاراز (مکزیک)، علی مهدی (سودان)، هینو بیرگلسن (دانمارک)، سیسیل آلوارز (فیلیپین)، نویل شولمن (انگلستان)، توبیاس بینکان (سوئیس)، راندنو ماچومدار (بنگلادش)، ای سو شین (کره)، ماریا بالستروس (اسپانیا) و یوکو اوداگیری (ژاپن). کمیته‌اجرایی ITI بالاترین مرجع سیاست‌گذاری و اجرایی این موسسه محسوب شده و مسئول نظارت بر کلیه فعالیت‌های کشورهای عضو این تشکل هنری است.

حضور نماینده‌ای از جمهوری اسلامی ایران در عالی‌ترین نهاد تصمیم‌گیرنده موسسه بین‌المللی تئاتر ، تأثیر بسزایی در گسترش فعالیت‌های بین‌المللی تئاتر ایران و نیز مشارکت جدی‌تر کشورمان در سیاست‌گذاری‌های جهانی تئاتر خواهد داشت. موسسه بین‌المللی تئاتر (ITI) یک تشکل بین‌المللی وابسته به یونسکو است که با همراهی کشورهای عضو در جهت گسترش هنر تئاتر و ارتقای کمی و کیفی آن تلاش می‌کند. انتخاب مجید سرسنگی در این مقام مورد توجه بخش عمده‌ای از جامعه تئاتری شد. مدیران و هنرمندان و استادان دانشگاه با ابراز خوشحالی از این انتخاب آن را به فال نیک گرفتند. مدیران گروه تئاتر دانشگاه تربیت مدرس (ادبیات نمایشی)، دانشگاه هنر دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه سوره انتخاب دکتر مجید سرسنگی به عنوان عضو اصلی کمیته اجرایی انستیتو بین‌المللی تئاتر (ITI) را تبریک گفتند. در این پیام تبریک آنان انتخاب مجید سرسنگی را موجب برقراری پیوند محکم‌تر جامعه تئاتر ایران و جامعه جهانی دانستند و حضور گسترده‌تر دانشگاهیان را در عرصه بین‌المللی پیش‌بینی کردند. طی نامه‌ای از سوی حسین مسافرآستانه –رئیس انجمن نمایش کشور– به حسین پارسی– مدیرکل هنرهای نمایشی– ضمن تبریک عضویت دکتر مجید سرسنگی در کمیته اجرایی ITI جهانی، آمادگی انجمن نمایش کشور جهت انجام هرگونه همکاری اعلام شده است. متن کامل این نامه بدین شرح است: «جناب آقای پارسی، مدیرکل محترم هنرهای نمایشی، احتراماً؛ در ابتدا لازم می‌دانم از سوی خود و هنرمندان وابسته انجمن نمایش کشور ، عضویت جناب آقای دکتر مجید سرسنگی ITI و ایران را در کمیته اجرایی ITI جهانی تبریک بگویم . بدون تردید این توفیق بزرگ که نشانه توجه مرکز هنرهای نمایشی به گسترش فعالیت‌های بین‌المللی تئاتر ایران است، ضمن ارتقای جایگاه هنرمندان فرهیخته تئاتر کشور در جامعه جهانی تئاتر، موجبات توسعه روزافزون تئاتر کشور را فراهم خواهد آورد. در ادامه با توجه به مقررات ITI جهانی و امکان عضویت سایر مجامع تئاتری کشور در این موسسه، بدین‌وسیله آمادگی انجمن نمایش کشور را به عنوان باقدتم‌ترین و فراگیرترین تشکل غیردولتی تئاتر، برای عضویت در این موسسه فرهنگی بین‌المللی اعلام کرده و متذکر می‌شوم که انشاءالله در آینده نزدیک انتخابات هیات مدیره ITI انجمن نمایش برگزار و نتیجه جهت ارائه به انستیتو بین‌المللی ITI در اختیار آن اداره کل قرار خواهد گرفت. امید است با همکاری جنابعالی کلیه نهادهای تئاتری کشور که علاقه‌مند به عضویت در ITI هستند بتوانند به این مهم نائل آیند .

چکناواریان، غریب‌پور و ایرای

«پردیس و پریسا»

لوریس چکناواریان آهنگساز و رهبر میهمان ارکستر سمفونیک تهران در گفت‌وگو با سایت ایران‌تئاتر گفت : «آقای بهروز غریب‌پور برای اجرای نمایش این ایرا ابراز تمایل کرده‌اند، اما زمان دقیق و جزئیات این همکاری هنوز مشخص نشده است. ایرای «پردیس و پریسا» اولین ایرایی است که قبل از انقلاب آن را به زبان فارسی نوشته‌ام و درآه با صورت اپرا اجرا شده است. همچنین در کشورهای چون انگلستان، آمریکا و ارمنستان به عنوان کنسرتال اجرا شده است. ایرای «پردیس و پریسا» یک قطعه آماده است که ممکن است با به صورت نمایش عروسکی و یا به شکل انیمیشن اجرا شود. » بهروز غریب‌پور درباره تصمیمش مبنی بر اجرای نمایش ایرای «پردیس و پریسا» گفت : «با لوریس چکناواریان صحبت‌هایی داشته و به توافق‌هایی نیز رسیده‌ایم. بنابراین امیدوارم پس از اجرای «مکبث» و با همکاری بنیاد رودکی و مرکز هنرهای نمایشی این ایرا به صورت اجرای عروسکی نخی آماده شود. امیدوارم بنیاد رودکی همچون گذشته از ما حمایت کند تا با کمک تهیه‌کننده این ایرا را ارائه دهیم. در حال حاضر مشغول طراحی «مکبث» هستم و سه ماه آینده که ساخت عروسک‌های این اثر به پایان می‌رسد تمرینات آن را آغاز می‌کنم تا برای نمایش حضور در بیست و پنجمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر آماده شود. »

لیلی و مجنون تازه‌ترین نمایش پری صابری است که قرار است از ۲۴ تیرماه در تالار وحدت به روی صحنه برود. او در حال حاضر مشغول تمرین این نمایش در تالار وحدت است. صابری، کارگردانی است که از نوجوانی به فرانسه رفت و در همانجا در رشته تئاتر تحصیل کرد. او وقتی به ایران برگشت بسیاری از متن‌های چخوف، پیراندللو، سارتر و سوفوکل را به روی صحنه برد که به گمان کارگردان‌های هم‌دوره‌اش، اجراهای بسیار موفق‌ی بوده اما صابری در یک جهش ناگهانی رویکرد متفاوتی به تئاتر پیدا کرد و سال‌ها است که زندگی شعرا و نویسنده‌های بزرگ ایرانی را به شیوه موزیکال به اجرا می‌برد. آخرین اجرای او، «لیلی و مجنون» نیز تکرار تجربه‌هایی در این حیطه است. او در سال‌های اخیر «شمس پرزنده»، «زند خلوت‌نشین»، «آنتیگونه» و «من از کجا، عشق از کجا» را روی صحنه برده است.

صابری در گفت‌وگو با سایت ایران‌تئاتر درباره تفاوت‌های نمایش‌اش با داستان نظامی می‌گوید: «من در ساختار اشعار رعایت کامل وفاداری را داشتم‌ام البته غزل‌هایی از سعدی و حافظ را به ضرورت نمایش اضافه کردم که در جهت تقویت حال و هوای نمایش است. اما مسلماً بسیاری کوتاه‌تر از منظومه نظامی است، چرا که اگر قرار بود منظومه نظامی را از اول تا آخر به اجرا می‌برد، یک‌ماهی طول می‌کشید. من طبق سلیقه و تفکر خود این منظومه را در حدود دو ساعت خلاصه کردم. عمده‌ترین تفاوت نمایش لیلی و مجنون با داستان لیلی و مجنون نظامی، در این است که اولی نمایش است و دومی داستان منظوم. تعداد ادبیات نمایش، بسیار کمتر از ادبیات نظامی است و این طبیعی است. شخصیت‌هایی حذف‌شده‌اند و دیگری اضافه‌شده‌اند. این سلام همسر لیلی در داستان نظامی، جوانی است از طایفه بنی‌اسد، اما در نمایش، سن و سالش، دست‌کم، دو برابر و نیم لیلی است. شکل گیری عشق مجنون و لیلی، در داستان نظامی، بسیار طبیعی است: سر درس و مدرسه، از کودکی، عاشق هم می‌شوند. اما در نمایش، این عشق، کمی ملکوتی و روحانی است. سر درس و مدرسه، از کودکی، عاشق هم می‌شوند. اما در نمایش، این عشق، کمی ملکوتی و روحانی است. سر درس و مدرسه، از کودکی، عاشق هم می‌شوند. اما در نمایش، این عشق، کمی ملکوتی و روحانی است. سر درس و مدرسه، از کودکی، عاشق هم می‌شوند. اما در نمایش، این عشق، کمی ملکوتی و روحانی است.

دریا آشوری در نقش لیلی و یارتا یاران در نقش مجنون حضور دارند. باید دید این دو چه تصویری از لیلی و مجنون اسطوره‌ای ذهن ما ایرانی‌ها می‌سازند. یارتا یاران درباره نقش‌اش می‌گوید: «موقعیت من در نقش مجنون، پس از روی صحنه آمدن نمایش معلوم می‌شود اما در

عمل بازخوانی در تئاتر بیشتر به نوعی کالبد شکافی کیمیاگرانه شبیه است. مولف نخست با شکافتن و پس زدن لایه‌های محاط اثر مبدأ، به انکشاف رموز حیاتی آن پرداخته و پس از «شناسایی» و درک آن، گام در سرزمین آفرینش و «تبدیل» عناصر استخراج شده می‌گذارد. در این فرآیند، کیمیاکاری در حقیقت حفظ و فراوری امکانات اثر مبدأ و بازتولید آن به عالی‌ترین شکل بر مبنای الگوی استعاری و ساختمانی اثر مقصد است. آنچه که آثار برآمده از دل چنین رویکردهایی را از یکدیگر متمایز می‌کند توانایی مولف در کشف هدایت و سازماندهی اثر خویش بر مبنای محوری مشخص است. این محور همچون چراغ هدایت‌کننده‌ای مسیر بازخوانی را روشن می‌کند و گسیل نیروهای درونی متن بر چنین الگویی مبین رویکرد خویش‌گر و نیز هدایت‌کننده ذهن مخاطب در تعامل با آن است. «محور بازخوانی» و «استقلال اثر بازخوانی‌شده» دو اصلی است که نگارنده این سطور تلاش دارد تا از مسیر آنها به تحلیل– هر چند مختصر– بازخوانی و اجرای علیرضا کوشک جلالی از داستان «موسیو ابراهیم و گل‌های قرآن» بپردازد. و در این میان طرفه آنکه نمایش مذکور خود «بازخوانی نمونه‌ای بازخوانی‌شده» و در حقیقت محصول شبکه‌ای تودرتو از این فرآیند است.

■ نمایشنامه: علیرضا کوشک جلالی

بازخوانی صحنه‌ای داستان اشعیت از منظری آسیب‌شناسانه در اکثر لحظات، رویکردی مستقل از داستان پیدا نمی‌کند و بیشتر مبدل به روخوانی جزء به جزء آن می‌شود. با آن که این کارگردان پرتجربه، هوشمندانه تلاش دارد بازخوانی ساده و ملموس داستان از اندیشه اهل تصوف را با خالی کردن صحنه و گرایش به شیوه‌های نمایشی بدون تکلف همچون نقالی و پرده خوانی سر و سامان دهد اما در کلیت اثر چندان خلاقانه از این امکانات بهره نمی‌برد. او در انتخاب و برقراری ارتباط میان جزئیاتی که از داستان اخذ کرده نیز وسواس کمی به خرج می‌دهد و نشانه‌هایی که در جهت درک بیشتر و عمق بخشی به هر یک از کاراکترها می‌توانست در اجرای صحنه‌ای مورد استفاده قرار گیرد، نادیده گرفته می‌شود. در بازخوانی او بیش از هر عملی «تعریف نمودن قصه» حائز اهمیت بوده است. کاری که داستان به شکل مکتوبش به نحو احسن انجام داده است. پس اجرای آن بر روی صحنه چه امتیازی بر خواناند داستان به شکل مجرّد دارد؟ اگر قرار باشد خوانش‌گر اثر مبدأ را بدون افزودن امکانات تازه و رویکردی خلاقانه روی صحنه ببرد، «دستاور تماشاگر از تماشای آن چیست؟ در چنین فرآیندی حتی چارچوب داستان دچار نقیصی می‌شود که محدودیت امکانات صحنه یکی از عوامل اثرگذار بر آن است. ذهن مخاطب هنگامی که اثری را می‌خواند بسیار آزادانه‌تر از تماشای آن عمل می‌کند و چه بسا تصاویر ذهنی او از آنچه که بر صحنه می‌گذرد دل‌انگیزتر باشد.

حتی اگر بپذیریم که هدف غایی این بازخوانی تنها و تنها نقالی داستان اشعیت بوده است باز هم این رویکرد در بازخوانی کوشک جلالی توجه ویژه‌ای به جنبه‌های طنزآمیز داستان شده است. اما این رویکرد نیز در برخی لحظات در دام باج دادن به مخاطب می‌افتد و از مسیر روایت خارج می‌شود. به یاد بیآوریم لحظاتی در اجرا که بهزاد فراهانی در نقش موسیو ابراهیم نامه‌ای از عبدالله را به زبان ترکی می‌خواند. اگر این بخش را به طور کامل از پیکره اثر حذف کنیم تأثیری در اجرا نخواهد گذاشت. از سوی دیگر خوانش‌گر با حذف عناصر موثر و ارزشمندی از داستان نعل وارونه زده است و حتی از امکانات طبیعی اثر به شایستگی بهره نبرده است. به طور مثال در داستان اشعیت فروش کتاب‌های پدر توسط مومو که می‌بایست همیشه در تاریکی اتاق از آنها نگهداری می‌شد، نشانی از بلوغ حرکت به سوی آزادی و روشنائی– پنجره‌ها برای همیشه باز می‌شود و دیوارها با رنگ سفید پاک و بی‌آلایش می‌گردند– درک آزادی و زندگی آزادانه و در نهایت تحول شخصیت است. اما در بازخوانی مسئله فروش کتاب‌ها و حذف اثر تاریکی اتاق از آنها شصیت برای عمق بخشی به کنجکاوی و پرورش جنبه جست‌وجوگر مومو آنجا که برای کشف معنای صوفی‌گری تنها به دیدن یک دایره‌المعارف بسنده نمی‌کند و تلاش می‌کند با کنار هم قرار دادن پازل شخصیتی موسیو ابراهیم در مورد او نتیجه‌گیری کند– خوردن لیکور ازبانه است. . . . این جزئیات داستانی و به کارگیری آگاهانه آنها در اثر بازخوانی شده خود مهارتی می‌طلبد تا اثر مقصد بتواند با زیرکی تمامی امکانات ارزشمند را به نفع خود مصادره کند اما در نمایش موسیو ابراهیم و گل‌های قرآن اکثر نشانه‌ها و حتی جملاتی که می‌توانست تماشاگر را به اندیشه وادار حذف شده و

تئاتر



پری صابری از نمایش جدید خود لیلی و مجنون می‌گوید

کارهای نو انجام می‌دهم

نیلوفر رستمی

صابری را خیلی موقعیت‌سنج‌تر از قبل می‌دانم او شرایط اجتماعی و ذوق و سلیقه مردم را می‌شناسد. »

صابری می‌گوید : «اگر صادق باشیم باید اعتراف کنیم که همه کارگردان‌ها دغدغه‌شان استقبال تماشاگران است، هر کس که بگوید به تماشاگر اهمیت نمی‌دهد دروغ گفته است. در مورد نقدهایی که از من می‌شود اگر بگویند کار صابری اعتبارش اندک است که مردم به تماشای نمایش هایشان می‌آیند، آن وقت من حرف دارم چون مولانا، حافظ و . . . آدم‌های کمی نیستند که من زندگی آنها را تبدیل به نمایش کردم. من الان با صدای درونی‌ام کار می‌کنم. من کارم را با آثار بزرگانی مانند عخوف و . . . یاد گرفتم اما بعد تصمیم گرفتم طبق سلیقه و علایق خودم کار کنم. حالا شاید هم زمانی از شعر به نثر روی بیایرم، نمی‌دانم.

به نظرم راهی که من انتخاب کردم خلاف عادت آنها است چون نوع کارهای آنها با کارهای من فاصله دارد اتفاقاً مدتی است که به این تفکرها فکر می‌کنم. من از دوازده‌سالگی به فرانسه رفتم و همان‌جا هم تحصیل کردم و اتفاقاً خیلی هم غرب‌زده بودم اما وقتی به ایران آمدم غرب‌زدگی‌ام تبدیل به ایران‌زدگی شد. حالا دوستان خلاف این جهت حرکت می‌کنند یعنی در

■

نگاهی به نمایش «موسیو ابراهیم و گل‌های قرآن» به کارگردانی «علیرضا کوشک جلالی»

تیپا خورده بازخوانی

امین عطیعی



نمایش میدل به غذایی فوری و آماده شده که قرار است به سرعت و سادگی قابل هضم باشد. طرزآمیز داستان شده است. اما این رویکرد نیز در برخی لحظات در دام باج دادن به مخاطب می‌افتد و از مسیر روایت خارج می‌شود. به یاد بیآوریم لحظاتی در اجرا که بهزاد فراهانی در نقش موسیو ابراهیم نامه‌ای از عبدالله را به زبان ترکی می‌خواند. اگر این بخش را به طور کامل از پیکره اثر حذف کنیم تأثیری در اجرا نخواهد گذاشت. از سوی دیگر خوانش‌گر با حذف عناصر موثر و ارزشمندی از داستان نعل وارونه زده است و حتی از امکانات طبیعی اثر به شایستگی بهره نبرده است. به طور مثال در داستان اشعیت فروش کتاب‌های پدر توسط مومو که می‌بایست همیشه در تاریکی اتاق از آنها نگهداری می‌شد، نشانی از بلوغ حرکت به سوی آزادی و روشنائی– پنجره‌ها برای همیشه باز می‌شود و دیوارها با رنگ سفید پاک و بی‌آلایش می‌گردند– درک آزادی و زندگی آزادانه و در نهایت تحول شخصیت است. اما در بازخوانی مسئله فروش کتاب‌ها و حذف اثر تاریکی اتاق از آنها شصیت برای عمق بخشی به کنجکاوی و پرورش جنبه جست‌وجوگر مومو آنجا که برای کشف معنای صوفی‌گری تنها به دیدن یک دایره‌المعارف بسنده نمی‌کند و تلاش می‌کند با کنار هم قرار دادن پازل شخصیتی موسیو ابراهیم در مورد او نتیجه‌گیری کند– خوردن لیکور ازبانه است. . . . این جزئیات داستانی و به کارگیری آگاهانه آنها در اثر بازخوانی شده خود مهارتی می‌طلبد تا اثر مقصد بتواند با زیرکی تمامی امکانات ارزشمند را به نفع خود مصادره کند اما در نمایش موسیو ابراهیم و گل‌های قرآن اکثر نشانه‌ها و حتی جملاتی که می‌توانست تماشاگر را به اندیشه وادار حذف شده و

نمایش میدل به غذایی فوری و آماده شده که قرار است به سرعت و سادگی قابل هضم باشد. طرزآمیز داستان شده است. اما این رویکرد نیز در برخی لحظات در دام باج دادن به مخاطب می‌افتد و از مسیر روایت خارج می‌شود. به یاد بیآوریم لحظاتی در اجرا که بهزاد فراهانی در نقش موسیو ابراهیم نامه‌ای از عبدالله را به زبان ترکی می‌خواند. اگر این بخش را به طور کامل از پیکره اثر حذف کنیم تأثیری در اجرا نخواهد گذاشت. از سوی دیگر خوانش‌گر با حذف عناصر موثر و ارزشمندی از داستان نعل وارونه زده است و حتی از امکانات طبیعی اثر به شایستگی بهره نبرده است. به طور مثال در داستان اشعیت فروش کتاب‌های پدر توسط مومو که می‌بایست همیشه در تاریکی اتاق از آنها نگهداری می‌شد، نشانی از بلوغ حرکت به سوی آزادی و روشنائی– پنجره‌ها برای همیشه باز می‌شود و دیوارها با رنگ سفید پاک و بی‌آلایش می‌گردند– درک آزادی و زندگی آزادانه و در نهایت تحول شخصیت است. اما در بازخوانی مسئله فروش کتاب‌ها و حذف اثر تاریکی اتاق از آنها شصیت برای عمق بخشی به کنجکاوی و پرورش جنبه جست‌وجوگر مومو آنجا که برای کشف معنای صوفی‌گری تنها به دیدن یک دایره‌المعارف بسنده نمی‌کند و تلاش می‌کند با کنار هم قرار دادن پازل شخصیتی موسیو ابراهیم در مورد او نتیجه‌گیری کند– خوردن لیکور ازبانه است. . . . این جزئیات داستانی و به کارگیری آگاهانه آنها در اثر بازخوانی شده خود مهارتی می‌طلبد تا اثر مقصد بتواند با زیرکی تمامی امکانات ارزشمند را به نفع خود مصادره کند اما در نمایش موسیو ابراهیم و گل‌های قرآن اکثر نشانه‌ها و حتی جملاتی که می‌توانست تماشاگر را به اندیشه وادار حذف شده و

ایران زندگی می‌کنند و غرب‌زده هستند. اتفاقاً من خیلی هم خجوف یا پیراندللو و . . . را دوست دارم و خیلی از آنها یاد گرفته‌ام، آن موقع که این متن‌ها را روی صحنه می‌بردم، بزنم به تخته تماشاگر داشتم و سالن همیشه پر بود چون کارم را بلد بودم اما سال‌ها است به این نوع کار علاقه‌مند شده‌ام چون با مردم بیشتر ارتباط برقرار می‌کند و با دل آنها همراه است. شما به عنوان ایرانی از خوردن چلوکباب لذت بیشتری می‌برد تا قورباغه که یکی از غذاهای معروف فرانسوی‌ها است چون با ذائقه شما بیشتر جور است مسلماً اگر یک ساز ایرانی بشنود یا نمایش ایرانی ببیند، بیشتر تحت‌تاثیر قرار می‌گیرد تا با شنیدن دیدن سازهای غربی و نمایش‌های غربی. به همین دلیل خوشحالم که برای گیشه دل مردم کار می‌کنم. حتی دوستان کتاب فروش نیز وقتی نمایش‌هایم روی صحنه است به من می‌گویند که تعداد فروش اشعار ایرانی افزایش پیدا کرده است. خب این خوشحالی ندارد؟ من از دوستانی که به این تندی برخورد می‌کنند خیلی کله‌مندم. من زندگی آدم‌هایی مانند حافظ و مولانا را روی صحنه می‌آورم در حالی که می‌توانستم روی شخصیت‌های دست چند کار کنم اما قطعاً این همه تماشاگر نداشته‌ام که امروز دارم. اتفاقاً یونسکو هم در اوایل کارش در فرانسه با نهمت‌های زیادی روبه‌رو شد اما چون به کارش ایمان داشت، به آن ادامه داد. البته من نمی‌خواهم خودم را یونسکو مقایسه کنم فقط در مقام توضیح نام او را آوردم. کارهای نو انجام می‌دهم که با

کارهای متداول تئاتری‌مان متفاوت است. در کارهای من همیشه سه عنصر اندیشه یا همان دیالوگ، بیان حس توسط بدن و بیان توسط موسیقی بوده است. من معتقدم که باید تمام ابزار بیانی و حسی را به کار گرفت بنابراین با بازیگرانی هم کار می‌کنم که همه بتوانند بخوانند، همه حرکت کنند و خیلی کارهای دیگر، در حالی که تئاتر حاضر ما متأسفانه بیشتر روی بیان تأکید دارد. » محمد رحمانیان در این کار در مقام مدیر اجرایی گروه قرار دارد. رامین آزادور سرپرستی گروه موسیقی را به عهده دارد و اگر شما تاکنون به تماشای نمایش‌های پری صابری رفته باشید به حتم می‌دانید که موسیقی در کارهای او نقش عمده‌ای را بازی می‌کند. گروه موسیقی هفت نفر هستند ابراهای موسیقی آنها ستور ، تار، نی انبان، دف، تنبک، عود، دمام، چنگ، تمپو، کمانچه و طبل است. نادر رجب‌پور نیز در این کار طراحی حرکات موزون را به عهده دارد. تلفیق موسیقی و حرکت به همراه دیالوگ آن چیزی است که بخش عمده‌ای از اجراهای اخیر صابری را تشکیل می‌دهد. صابری به مانند دیگر کارهای این سال‌هایش به سراغ یکی از متون کهن ایرانی رفته است. لیلی و مجنون نظامی کنجوی یکی از بی نظیرترین داستان‌سرایی‌های ایرانی به شکل منظوم است.

جالب است نویسنده کارکشته‌ای چون شنلی که در حیطه‌های مختلف کار کرده تا سال ۲۰۰۵ حتی یک نمایش هم در برادری به روی صحنه نبرد. اما «شک» (اولین نمایش شنلی که در برادری به روی صحنه رفت) به نمایش برتر سال نیویورک تبدیل شد. نوشتن درباره مسائل بزرگی که جامعه با آن روبه‌رو است، از جمله اهداف اصلی شنلی محسوب می‌شود. شنلی حرفه‌اش را به بخش تقسیم می‌کند: «بخش اول به مشکلات خود اختصاص دارد و بخش دوم جالب است نویسنده کارکشته‌ای چون شنلی که در حیطه‌های مختلف کار کرده تا سال ۲۰۰۵ حتی یک نمایش هم در برادری به روی صحنه نبرد. اما «شک» (اولین نمایش شنلی که در برادری به روی صحنه رفت) به نمایش برتر سال نیویورک تبدیل شد. نوشتن درباره مسائل بزرگی که جامعه با آن روبه‌رو است، از جمله اهداف اصلی شنلی محسوب می‌شود. شنلی حرفه‌اش را به بخش تقسیم می‌کند: «بخش اول به مشکلات خود اختصاص دارد و بخش دوم جالب است نویسنده کارکشته‌ای چون شنلی که در حیطه‌های مختلف کار کرده تا سال ۲۰۰۵ حتی یک نمایش هم در برادری به روی صحنه نبرد. اما «شک» (اولین نمایش شنلی که در برادری به روی صحنه رفت) به نمایش برتر سال نیویورک تبدیل شد. نوشتن درباره مسائل بزرگی که جامعه با آن روبه‌رو است، از جمله اهداف اصلی شنلی محسوب می‌شود. شنلی حرفه‌اش را به بخش تقسیم می‌کند: «بخش اول به مشکلات خود اختصاص دارد و بخش دوم جالب است نویسنده کارکشته‌ای چون شنلی که در حیطه‌های مختلف کار کرده تا سال ۲۰۰۵ حتی یک نمایش هم در برادری به روی صحنه نبرد. اما «شک» (اولین نمایش شنلی که در برادری به روی صحنه رفت) به نمایش برتر سال نیویورک تبدیل شد. نوشتن درباره مسائل بزرگی که جامعه با آن روبه‌رو است، از جمله اهداف اصلی شنلی محسوب می‌شود. شنلی حرفه‌اش را به بخش تقسیم می‌کند: «بخش اول به مشکلات خود اختصاص دارد و بخش دوم جالب است نویسنده کارکشته‌ای چون شنلی که در حیطه‌های مختلف کار کرده تا سال ۲۰۰۵ حتی یک نمایش هم در برادری به روی صحنه نبرد. اما «شک» (اولین نمایش شنلی که در برادری به روی صحنه رفت) به نمایش برتر سال نیویورک تبدیل شد. نوشتن درباره مسائل بزرگی که جامعه با آن روبه‌رو است، از جمله اهداف اصلی شنلی محسوب می‌شود. شنلی حرفه‌اش را به بخش تقسیم می‌کند: «بخش اول به مشکلات خود اختصاص دارد و بخش دوم جالب است نویسنده کارکشته‌ای چون شنلی که در حیطه‌های مختلف کار کرده تا سال ۲۰۰۵ حتی یک نمایش هم در برادری به روی صحنه نبرد. اما «شک» (اولین نمایش شنلی که در برادری به روی صحنه رفت) به نمایش برتر سال نیویورک تبدیل شد. نوشتن درباره مسائل بزرگی که جامعه با آن روبه‌رو است، از جمله اهداف اصلی شنلی محسوب می‌شود. شنلی حرفه‌اش را به بخش تقسیم می‌کند: «بخش اول به مشکلات خود اختصاص دارد و بخش دوم جالب است نویسنده کارکشته‌ای چون شنلی که در حیطه‌های مختلف کار کرده تا سال ۲۰۰۵ حتی یک نمایش هم در برادری به روی صحنه نبرد. اما «شک» (اولین نمایش شنلی که در برادری به روی صحنه رفت) به نمایش برتر سال نیویورک تبدیل شد. نوشتن درباره مسائل بزرگی که جامعه با آن روبه‌رو است، از جمله اهداف اصلی شنلی محسوب می‌شود. شنلی حرفه‌اش را به بخش تقسیم می‌کند: «بخش اول به مشکلات خود اختصاص دارد و بخش دوم جالب است نویسنده کارکشته‌ای چون شنلی که در حیطه‌های مختلف کار کرده تا سال ۲۰۰۵ حتی یک نمایش هم در برادری به روی صحنه نبرد. اما «شک» (اولین نمایش شنلی که در برادری به روی صحنه رفت) به نمایش برتر سال نیویورک تبدیل شد. نوشتن درباره مسائل بزرگی که جامعه با آن روبه‌رو است، از جمله اهداف اصلی شنلی محسوب می‌شود. شنلی حرفه‌اش را به بخش تقسیم می‌کند: «بخش اول به مشکلات خود اختصاص دارد و بخش دوم جالب است نویسنده کارکشته‌ای چون شنلی که در حیطه‌های مختلف کار کرده تا سال ۲۰۰۵ حتی یک نمایش هم در برادری به روی صحنه نبرد. اما «شک» (اولین نمایش شنلی که در برادری به روی صحنه رفت) به نمایش برتر سال نیویورک تبدیل شد. نوشتن درباره مسائل بزرگی که جامعه با آن روبه‌رو است، از جمله اهداف اصلی شنلی محسوب می‌شود. شنلی حرفه‌اش را به بخش تقسیم می‌کند: «بخش اول به مشکلات خود اختصاص دارد و بخش دوم جالب است نویسنده کارکشته‌ای چون شنلی که در حیطه‌های مختلف کار کرده تا سال ۲۰۰۵ حتی یک نمایش هم در برادری به روی صحنه نبرد. اما «شک» (اولین نمایش شنلی که در برادری به روی صحنه رفت) به نمایش برتر سال نیویورک تبدیل شد. نوشتن درباره مسائل بزرگی که جامعه با آن روبه‌رو است، از جمله اهداف اصلی شنلی محسوب می‌شود. شنلی حرفه‌اش را به بخش تقسیم می‌کند: «بخش اول به مشکلات خود اختصاص دارد و بخش دوم جالب است نویسنده کارکشته‌ای چون شنلی که در حیطه‌های مختلف کار کرده تا سال ۲۰۰۵ حتی یک نمایش هم در برادری به روی صحنه نبرد. اما «شک» (اولین نمایش شنلی که در برادری به روی صحنه رفت) به نمایش برتر سال نیویورک تبدیل شد. نوشتن درباره مسائل بزرگی که جامعه با آن روبه‌رو است، از جمله اهداف اصلی شنلی محسوب می‌شود. شنلی حرفه‌اش را به بخش تقسیم می‌کند: «بخش اول به مشکلات خود اختصاص دارد و بخش دوم جالب است نویسنده کارکشته‌ای چون شنلی که در حیطه‌های مختلف کار کرده تا سال ۲۰۰۵ حتی یک نمایش هم در برادری به روی صحنه نبرد. اما «شک» (اولین نمایش شنلی که در برادری به روی صحنه رفت) به نمایش برتر سال نیویورک تبدیل شد. نوشتن درباره مسائل بزرگی که جامعه با آن روبه‌رو است، از جمله اهداف اصلی شنلی محسوب می‌شود. شنلی حرفه‌اش را به بخش تقسیم می‌کند: «بخش اول به مشکلات خود اختصاص دارد و بخش دوم جالب است نویسنده کارکشته‌ای چون شنلی که در حیطه‌های مختلف کار کرده تا سال ۲۰۰۵ حتی یک نمایش هم در برادری به روی صحنه نبرد. اما «شک» (اولین نمایش شنلی که در برادری به روی صحنه رفت) به نمایش برتر سال نیویورک تبدیل شد. نوشتن درباره مسائل بزرگی که جامعه با آن روبه‌رو است، از جمله اهداف اصلی شنلی محسوب می‌شود. شنلی حرفه‌اش را به بخش تقسیم می‌کند: «بخش اول به مشکلات خود اختصاص دارد و بخش دوم جالب است نویسنده کارکشته‌ای چون شنلی که در حیطه‌های مختلف کار کرده تا سال ۲۰۰۵ حتی یک نمایش هم در برادری به روی صحنه نبرد. اما «شک» (اولین نمایش شنلی که در برادری به روی صحنه رفت) به نمایش برتر سال نیویورک تبدیل شد. نوشتن درباره مسائل بزرگی که جامعه با آن روبه‌رو است، از جمله اهداف اصلی شنلی محسوب می‌شود. شنلی حرفه‌اش را به بخش تقسیم می‌کند: «بخش اول به مشکلات خود اختصاص دارد و بخش دوم جالب است نویسنده کارکشته‌ای چون شنلی که در حیطه‌های مختلف کار کرده تا سال ۲۰۰۵ حتی یک نمایش هم در برادری به روی صحنه نبرد. اما «شک» (اولین نمایش شنلی که در برادری به روی صحنه رفت) به نمایش برتر سال نیویورک تبدیل شد. نوشتن درباره مسائل بزرگی که جامعه با آن روبه‌رو است، از جمله اهداف اصلی شنلی محسوب می‌شود. شنلی حرفه‌اش را به بخش تقسیم می‌کند: «بخش اول به مشکلات خود اختصاص دارد و بخش دوم جالب است نویسنده کارکشته‌ای چون شنلی که در حیطه‌های مختلف کار کرده تا سال ۲۰۰۵ حتی یک نمایش هم در برادری به روی صحنه نبرد. اما «شک» (اولین نمایش شنلی که در برادری به روی صحنه رفت) به نمایش برتر سال نیویورک تبدیل شد. نوشتن درباره مسائل بزرگی که جامعه با آن روبه‌رو است، از جمله اهداف اصلی شنلی محسوب می‌شود. شنلی حرفه‌اش را به بخش تقسیم می‌کند: «بخش اول به مشکلات خود اختصاص دارد و بخش دوم جالب است نویسنده کارکشته‌ای چون شنلی که در حیطه‌های مختلف کار کرده تا سال ۲۰۰۵ حتی یک نمایش هم در برادری به روی صحنه نبرد. اما «شک» (اولین نمایش شنلی که در برادری به روی صحنه رفت) به نمایش برتر سال نیویورک تبدیل شد. نوشتن درباره مسائل بزرگی که جامعه با آن روبه‌رو است، از جمله اهداف اصلی شنلی محسوب می‌شود. شنلی حرفه‌اش را به بخش تقسیم می‌کند: «بخش اول به مشکلات خود اختصاص دارد و بخش دوم جالب است نویسنده کارکشته‌ای چون شنلی که در حیطه‌های مختلف کار کرده تا سال ۲۰۰۵ حتی یک نمایش هم در برادری به روی صحنه نبرد. اما «شک» (اولین نمایش شنلی که در برادری به روی صحنه رفت) به نمایش برتر سال نیویورک تبدیل شد. نوشتن درباره مسائل بزرگی که جامعه با آن روبه‌رو است، از جمله اهداف اصلی شنلی محسوب می‌شود. شنلی حرفه‌اش را به بخش تقسیم می‌کند: «بخش اول به مشکلات خود اختصاص دارد و بخش دوم جالب است نویسنده کارکشته‌ای چون شنلی که در حیطه‌های مختلف کار کرده تا سال ۲۰۰۵ حتی یک نمایش هم در برادری به روی صحنه نبرد. اما «شک» (اولین نمایش شنلی که در برادری به روی صحنه رفت) به نمایش برتر سال نیویورک تبدیل شد. نوشتن درباره مسائل بزرگی که جامعه با آن روبه‌رو است، از جمله اهداف اصلی شنلی محسوب می‌شود. شنلی حرفه‌اش را به بخش تقسیم می‌کند: «بخش اول به مشکلات خود اختصاص دارد و بخش دوم جالب است نویسنده کارکشته‌ای چون شنلی که در حیطه‌های مختلف کار کرده تا سال ۲۰۰۵ حتی یک نمایش هم در برادری به روی صحنه نبرد. اما «شک» (اولین نمایش شنلی که در برادری به روی صحنه رفت) به نمایش برتر سال نیویورک تبدیل شد. نوشتن درباره مسائل بزرگی که جامعه با آن روبه‌رو است، از جمله اهداف اصلی شنلی محسوب می‌شود. شنلی حرفه‌اش را به بخش تقسیم می‌کند: «بخش اول به مشکلات خود اختصاص دارد و بخش دوم جالب است نویسنده کارکشته‌ای چون شنلی که در حیطه‌های مختلف کار کرده تا سال ۲۰۰۵ حتی یک نمایش هم در برادری به روی صحنه نبرد. اما «شک» (اولین نمایش شنلی که در برادری به روی صحنه رفت) به نمایش برتر سال نیویورک تبدیل شد. نوشتن درباره مسائل بزرگی که جامعه با آن روبه‌رو است، از جمله اهداف اصلی شنلی محسوب می‌شود. شنلی حرفه‌اش را به بخش تقسیم می‌کند: «بخش اول به مشکلات خود اختصاص دارد و بخش دوم جالب است نویسنده کارکشته‌ای چون شنلی که در حیطه‌های مختلف کار کرده تا سال ۲۰۰۵ حتی یک نمایش هم در برادری به روی صحنه نبرد. اما «شک» (اولین نمایش شنلی که در برادری به روی صحنه رفت) به نمایش برتر سال نیویورک تبدیل شد. نوشتن درباره مسائل بزرگی که جامعه با آن روبه‌رو است، از جمله اهداف اصلی شنلی محسوب می‌شود. شنلی حرفه‌اش را به بخش تقسیم می‌کند: «بخش اول به مشکلات خود اختصاص دارد و بخش دوم جالب است نویسنده کارکشته‌ای چون شنلی که در حیطه‌های مختلف کار کرده تا سال ۲۰۰۵ حتی یک نمایش هم در برادری به روی صحنه نبرد. اما «شک» (اولین نمایش شنلی که در برادری به روی صحنه رفت) به نمایش برتر سال نیویورک تبدیل شد. نوشتن درباره مسائل بزرگی که جامعه با آن روبه‌رو است، از جمله اهداف اصلی شنلی محسوب می‌شود. شنلی حرفه‌اش را به بخش تقسیم می‌کند: «بخش اول به مشکلات خود اختصاص دارد و بخش دوم جالب است نویسنده کارکشته‌ای چون شنلی که در حیطه‌های مختلف کار کرده تا سال ۲۰۰۵ حتی یک نمایش هم در برادری به روی صحنه نبرد. اما «شک» (اولین نمایش شنلی که در برادری به روی صحنه رفت) به نمایش برتر سال نیویورک تبدیل شد. نوشتن درباره مسائل بزرگی که جامعه با آن روبه‌رو است، از جمله اهداف اصلی شنلی محسوب می‌شود. شنلی حرفه‌اش را به بخش تقسیم می‌کند: «بخش اول به مشکلات خود اختصاص دارد و بخش دوم جالب است نویسنده کارکشته‌ای چون شنلی که در حیطه‌های مختلف کار کرده تا سال ۲۰۰۵ حتی یک نمایش هم در برادری به روی صحنه نبرد. اما «شک» (اولین نمایش شنلی که در برادری به روی صحنه رفت) به نمایش برتر سال نیویورک تبدیل شد. نوشتن درباره مسائل بزرگی که جامعه با آن روبه‌رو است، از جمله اهداف اصلی شنلی محسوب می‌شود. شنلی حرفه‌اش را به بخش تقسیم می‌کند: «بخش اول به مشکلات خود اختصاص دارد و بخش دوم جالب است نویسنده کارکشته‌ای چون شنلی که در حیطه‌های مختلف کار کرده تا سال ۲۰۰۵ حتی یک نمایش هم در برادری به روی صحنه نبرد. اما «شک» (اولین نمایش شنلی که در برادری به روی صحنه رفت) به نمایش برتر سال نیویورک تبدیل شد. نوشتن درباره مسائل بزرگی که جامعه با آن روبه‌رو است، از جمله اهداف اصلی شنلی محسوب می‌شود. شنلی حرفه‌اش را به بخش تقسیم می‌کند: «بخش اول به مشکلات خود اختصاص دارد و بخش دوم جالب است نویسنده کارکشته‌ای چون شنلی که در حیطه‌های مختلف کار کرده تا سال ۲۰۰۵ حتی یک نمایش هم در برادری به روی صحنه نبرد. اما «شک» (اولین نمایش شنلی که در برادری به روی صحنه رفت) به نمایش برتر سال نیویورک تبدیل شد. نوشتن درباره مسائل بزرگی که جامعه با آن روبه‌رو است، از جمله اهداف اصلی شنلی محسوب می‌شود. شنلی حرفه‌اش را به بخش تقسیم می‌کند: «بخش اول به مشکلات خود اختصاص دارد و بخش دوم جالب است نویسنده کارکشته‌ای چون شنلی که در حیطه‌های مختلف کار کرده تا سال ۲۰۰۵ حتی یک نمایش هم در برادری به روی صحنه نبرد. اما «شک» (اولین نمایش شنلی که در برادری به روی صحنه رفت) به نمایش برتر سال نیویورک تبدیل شد. نوشتن درباره مسائل بزرگی که جامعه با آن روبه‌رو است، از جمله اهداف اصلی شنلی محسوب می‌شود. شنلی حرفه‌اش را به بخش تقسیم می‌کند: «بخش اول به مشکلات خود اختصاص دارد و بخش دوم جالب است نویسنده کارکشته‌ای چون شنلی که در حیطه‌های مختلف کار کرده تا سال ۲۰۰۵ حتی یک نمایش هم در برادری به روی صحنه نبرد. اما «شک» (اولین نمایش شنلی که در برادری به روی صحنه رفت) به نمایش برتر سال نیویورک تبدیل شد. نوشتن درباره مسائل بزرگی که جامعه با آن روبه‌رو است، از جمله اهداف اصلی شنلی محسوب می‌شود. شنلی حرفه‌اش را به بخش تقسیم می‌کند: «بخش اول به مشکلات خود اختصاص دارد و بخش دوم جالب است نویسنده کارکشته‌ای چون شنلی که در حیطه‌های مختلف کار کرده تا سال ۲۰۰۵ حتی یک نمایش هم در برادری به روی صحنه نبرد. اما «شک» (اولین نمایش شنلی که در برادری به روی صحنه رفت) به نمایش برتر سال نیویورک تبدیل شد. نوشتن درباره مسائل بزرگی که جامعه با آن روبه‌رو است، از جمله اهداف اصلی شنلی محسوب می‌شود. شنلی حرفه‌اش را به بخش تقسیم می‌کند: «بخش اول به مشکلات خود اختصاص دارد و بخش دوم جالب است نویسنده کارکشته‌ای چون شنلی که در حیطه‌های مختلف کار کرده تا سال ۲۰۰۵ حتی یک نمایش هم در برادری به روی صحنه نبرد. اما «شک» (اولین نمایش شنلی که در برادری به روی صحنه رفت) به نمایش برتر سال نیویورک تبدیل شد. نوشتن درباره مسائل بزرگی که جامعه با آن روبه‌رو است، از جمله اهداف اصلی شنلی محسوب می‌شود. شنلی حرفه‌اش را به بخش تقسیم می‌کند: «بخش اول به مشکلات خود اختصاص دارد و بخش دوم جالب است نویسنده کارکشته‌ای چون شنلی که در حیطه‌های مختلف کار کرده تا سال ۲۰۰۵ حتی یک نمایش هم در برادری به روی صحنه نبرد. اما «شک» (اولین نمایش شنلی که در برادری به روی صحنه رفت) به نمایش برتر سال نیویورک تبدیل شد. نوشتن درباره مسائل بزرگی که جامعه با آن روبه‌رو است، از جمله اهداف اصلی شنلی محسوب می‌شود. شنلی حرفه‌اش را به بخش تقسیم می‌کند: «بخش اول به مشکلات خود اختصاص دارد و بخش دوم جالب است نویسنده کارکشته‌ای چون شنلی که در حیطه‌های مختلف کار کرده تا سال ۲۰۰۵ حتی یک نمایش هم در برادری به روی صحنه نبرد. اما «شک» (اولین نمایش شنلی که در برادری به روی صحنه رفت) به نمایش برتر سال نیویورک تبدیل شد. نوشتن درباره مسائل بزرگی که جامعه با آن روبه‌رو است، از جمله اهداف اصلی شنلی محسوب می‌شود. شنلی حرفه‌اش را به بخش تقسیم می‌کند: «بخش اول به مشکلات خود اختصاص دارد و بخش دوم جالب است نویسنده کارکشته‌ای چون شنلی که در حیطه‌های مختلف کار کرده تا سال ۲۰۰۵ حتی یک نمایش هم در برادری به روی صحنه نبرد. اما «شک» (اولین نمایش شنلی که در برادری به روی صحنه رفت) به نمایش برتر سال نیویورک تبدیل شد. نوشتن درباره مسائل بزرگی که جامعه با آن روبه‌رو است، از جمله اهداف اصلی شنلی محسوب می‌شود. شنلی حرفه‌اش را به بخش تقسیم می‌کند: «بخش اول به مشکلات خود اختصاص دارد و بخش دوم جالب است نویسنده کارکشته‌ای چون شنلی که در حیطه‌های مختلف کار کرده تا سال ۲۰۰۵ حتی یک نمایش هم در برادری به روی صحنه نبرد. اما «شک» (اولین نمایش شنلی که در برادری به روی صحنه رفت) به نمایش برتر سال نیویورک تبدیل شد. نوشتن درباره مسائل بزرگی که جامعه با آن روبه‌رو است، از جمله اهداف اصلی شنلی محسوب می‌شود. شنلی حرفه‌اش را به بخش تقسیم می‌کند: «بخش اول به مشکلات خود اختصاص دارد و بخش دوم جالب است نویسنده کارکشته‌ای چون شنلی که در حیطه‌های مختلف کار کرده تا سال ۲۰۰۵ حتی یک نمایش هم در برادری به روی صحنه نبرد. اما «شک» (اولین نمایش شنلی که در برادری به روی صحنه رفت)